



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی



زمینه ها ، علل و پیامدهای جنبش ملی شدن نفت



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

– گروه تلگرام پژوهش خبری صداوسیما <https://telegram.me/pajooreshkhabar>

*گروه سیاسی

در بیست و نهم اسفند آخرین روز سال ۱۳۲۹ با تصویب طرح ملی شدن نفت در مجلس سنا یکی از رویدادهای مهم تاریخ معاصر رقم خورد که تاثیرات و بازتابهای آن از مرزهای ایران فراتر رفت. برخی تحلیل‌گران پیشگامی ملت ایران در انقلاب مشروطه و پیشگامی در ملی کردن صنایع در جهت قطع دست استعمار که با دسیسه‌های خود سرشار نفت ماده حیاتی قرن را به غارت می‌بردند؛ از نشانه‌های تاریخ سازی ملت ایران در مشرق زمین دانسته‌اند امری که با انقلاب اسلامی به اوج رسید و بسیاری از آرزوهای ملت در قطع دست قدرتها و رهایی از استبداد و استعمار؛ تحقق عینی یافت. در نوشتار حاضر به طور مختصر به سیر تاریخی تحولات دهه بیست ایران تا تصویب طرح ملی شدن نفت، نیروهای اجتماعی و سیاسی دخیل در این نهضت و بازتاب‌ها و واکنشهای جهانی و سرانجام علل ناکامی جنبش ملی کردن نفت پرداخته شده است. بازخوانی این مقطع حساس از حیات ملت ایران با توجه به تحولات منطقه به-خصوص طرح بازگشت انگلیس به خلیج فارس، موضوع هسته‌ای و عهد شکنی‌های آمریکا و به‌خصوص درس‌های این جنبش که عمدتاً معطوف به علل گسست در نیروهای ملی و مذهبی است؛ سودمند و مفید خواهد بود.

مقدمه

تاریخ معاصر ایران، حوادث و رویدادهای بسیار زیادی به خود دیده است. ملی شدن صنعت نفت یکی از این رویدادهای بسیار مهم و تأثیرگذار از ابعاد مختلف می‌باشد. این رویداد با توجه به چگونگی پیروزی، نقش نخبگان، نیروهای مذهبی و سیاسی، فرآیند منجر به تحقق ملی شدن صنعت نفت، رویکرد کشورهای استعمارگر به‌خصوص آمریکا و انگلستان، علل شکست آن و ... مهم می‌باشد. یکی از ابعاد مهم موضوع ملی شدن صنعت نفت مسئله همبستگی ملی در پیروزی و شکست آن می‌باشد. در واقع ملی شدن صنعت نفت، الگو و تجلی نقش اتحاد ملی در توسعه کشور می‌باشد. این حادثه از ابعاد و عرصه‌های مختلف، اهمیت اتحاد ملی را نشان می‌دهد. چنانکه می‌توان گفت ائتلاف همه نیروها و مردم، عامل اصلی تحقق ملی شدن صنعت نفت بود.

قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت مقرر می‌داشت هیئتی مختلف مرکب از ۵ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی، ۵ نفر از مجلس سنا و به همراه وزیر دارایی یا معاون او تشکیل شود. این هیأت وظیفه نظارت بر بندهای دیگر قانون را بر عهده داشت. براساس بندهای دیگر، دولت مکلف شده بود از شرکت نفت جنوب خلع ید کند. زمینه تشکیل یک هیئت عامل را برای بهره برداری از نفت فراهم کند و همچنین به مطالبات و دعاوی مطرح در خصوص حقوق ایران و شرکت رسیدگی نماید. هیئت مختلط همچنین وظیفه داشت اساسنامه شرکت ملی نفت را تهیه کند و زمینه اعزام محصلین ایران به خارج برای فراگیری دانش صنعت نفت را فراهم نماید. در اجرای این قانون به فاصله یک ماه از تصویب آن، هیئت مدیره ای سه نفره از تهران وارد آبادان شد و پس از خلع ید از شرکت سابق نفت، پرچم ایران را بر فراز عمارت مرکزی آن برافراشت.^۱

به طور کلی با نگاهی به تاریخ معاصر این امر اثبات می‌شود که در همه حوادث سرنوشت ساز و شگفتی آور همانند انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ ش)، ملی شدن صنعت نفت (۱۳۲۹ ش) و انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ ش) با همبستگی و

^۱ اخذی، ایرج. مسایل سیاسی و اقتصادی نفت ایران (تهران: پازنگ، ۱۳۸۱ ص ۲۶۳)

انسجام همه نیروهای مذهبی، ملی و مردم، پیوند نخبگان و مردم، حمایت مردم از نخبگان، همبستگی ملی نقش اساسی و محوری داشته است و متأسفانه با گسست این ائتلاف برخی از این رویدادها با شکست مواجه شده است. ملی شدن صنعت نفت نماد "نقش اتحاد ملی در پیروزی" و "نقش گسست نیروها در شکست و عدم تحقق اهداف ملی شدن" می‌باشد. در مجموع تجربه ملی شدن صنعت نفت از پتانسیل و ظرفیت بالایی برای مسائل امروزی به-خصوص در زمینه همبستگی ملی، نقش علما در تحولات سیاسی و اجتماعی، پیوند بین مردم و مسئولین و .. جهت نایل شدن به اهداف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... برخوردار می‌باشد.

ابعاد، زمینه ها و علل داخلی ملی شدن صنعت نفت

اعطای امتیاز نفت ویلیام ناکس داریسی در سال ۱۹۰۱، تجدیدنظر در امتیاز نفت در زمان دیکتاتوری رضاشاه در سال ۱۹۳۳، بحران امتیاز نفت شمال در طول جنگ جهانی دوم و مخالفت با اعطای این امتیاز در مجلس دوره چهاردهم و عدم تصویب لایحه تشکیل شرکت مختلط نفتی در مجلس پانزدهم، لغو امتیاز نفت جنوب و نهایتاً ملی شدن صنعت نفت کشور بخشی از حوادث مهمی است که این صنعت عظیم تا اوایل دهه ۱۳۳۰ هـ. ش در کشور ما آن را تجربه کرده است.^۱ قرارداد امتیاز نفت بین دولت ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران در ۷ خردادماه ۱۳۱۲ به تصویب مجلس رسید و امضای آن حاصل مذاکراتی بود که به دنبال الغای امتیازنامه داریسی (۱۰ آذرماه ۱۳۱۱) و شکایت بریتانیا به شورای جامعه ملل در میان نمایندگان دولت ایران و کمپانی صاحب امتیاز صورت گرفت.

در دوره شانزدهم مجلس، جبهه ملی که به تازگی اعلام موجودیت کرده بود توانست هشت نفر از نمایندگان خود، از جمله دکتر مصدق را به مجلس بفرستد. با انتخاب آیت... کاشانی از طرف مردم تهران و تلاش بعضی از علمای بزرگ، نظیر مرحوم آیت... العظمی بروجردی، ایشان در خرداد ۱۳۲۹ با استقبال با شکوه و بی نظیر مردم تهران (که در میان آنان دکتر مصدق و نمایندگان جبهه ملی نیز بودند) به وطن بازگشتند. در یکی از نخستین جلسات مجلس شانزدهم، پیام آیت... کاشانی، مبنی بر اعتراض به تبعید غیرقانونی خود و علل آن و بی‌اعتباری مصوبات مجلس ساختگی مؤسسان (مجلس سنای سابق) و قرارداد تحمیلی نفت، به وسیله دکتر مصدق قرائت شد. در قسمتی از این پیام آمده است: «... نفت ایران متعلق به ملت ایران است و به هر ترتیبی که بخواهد نسبت به آن رفتار می‌کند و قرارداد قانونی که با اکراه و اجبار تحمیل شود، هیچ نوع ارزش قضایی ندارد و نمی‌تواند ملت ایران را از حقوق مسلم خود محروم کند.» با عنوان شدن ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور، آیت... کاشانی طی اعلامیه مفصلی، کوشش در این راه را تکلیف دینی و وطنی ملت مسلمان اعلام کردند. پس از آن، علما و مجتهدین بزرگی، نظیر آیت... سیدمحمدتقی خونساری، بهاءالدین محلاتی، عباسعلی شاهرودی، سید محمود روحانی قمی و

^۱ مجتبی مقصدی (به اهتمام) تحولات سیاسی - اجتماعی ایران ۵۷ - ۱۳۲۰، (تهران: روزنه، ۱۳۸۰) تحولات سیاسی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱)

کلباسی با صدور اعلامیه‌هایی و نیز در پاسخ به استفتائات مردم، بر لزوم ملی کردن صنعت نفت و حمایت از آیت‌ا... کاشانی تاکید کردند.^۱

پیشنهاد ملی شدن نفت از سوی چه کسی بود؟ پاسخ این سوال در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، چرا که بسیاری از افراد، نمایندگان و ... آن دوره معتقدند که ملی شدن صنعت نفت پیشنهاد آنها بوده است. برخی اعضای حزب توده آن را به خود نسبت می‌دهند. برخی مورخین تاریخ معاصر معتقدند که پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در مجلس پانزدهم و شانزدهم مطرح شده بود. حسین مکی خود را مبتکر ملی شدن می‌داند. به نظر مکی، پیشنهاد ملی شدن نفت از سوی خود او و آیت‌ا... کاشانی، نریمان، فاطمی و ... مطرح می‌شد. خود مصدق معتقد است که مبتکر اصلی این طرح فاطمی بود: «ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور ابتکار دکتر حسین فاطمی است، وی پیشنهاد کرد همانطور که کشور انگلیس بعضی از صنایع خود را ملی کرده است، برای اینکه منافع آن نصیب ملت شود، ایران هم نفت خود را در سراسر کشور ملی کند». در واقع گرچه جبهه ملی در ملی شدن صنعت نفت نقش اساسی داشت، ولی در درون جبهه ملی نیروهای سیاسی متعددی وجود داشتند. نیروهایی که به صورت یک ائتلاف رنگین‌کمانی بر سر برخی موضوعات و اهدافی از جمله ملی شدن صنعت نفت، مبارزه با دربار و کاهش قدرت سلطنت شکل گرفت. به عبارت دیگر هسته اولیه جبهه ملی در مهر ۱۳۲۸ در اعتراض برخی نسبت به آزاد نبودن انتخابات مجلس شانزدهم شکل گرفت. این هسته از سه گروه سیاستمداران درباره همچون امیر علایی، محمود نریمان و سیاستمداران مرتبط با بازار همچون سید ابوالحسن حائری زاده (دوست و متحد آیت‌ا... کاشانی) و تندروهای جوان و تحصیلکرده غرب همچون سنجابی، زیرک زاده و حسین فاطمی تشکیل می‌دادند. در ماه‌های بعدی چهار سازمان حزب ایران، حزب زحمتکشان، حزب ملت ایران و جامعه مجاهدین اسلام به جبهه ملی پیوستند و پشتیبانی اصلی و سازمان یافته جبهه ملی را تشکیل دادند.^۲

البته باید به نقش سازمان فداییان اسلام نیز اشاره کرد، گرچه این سازمان به طور رسمی به جبهه ملی نپیوست، ولی نقش اساسی در ملی شدن صنعت نفت ایفا کرد. چنان که با ترور هژیر وزیر دربار نظام پهلوی در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۲۸ و فعالیت در جهت برگزاری انتخابات آزاد و حفاظت از صندوق‌های رای موجب برگزاری انتخابات مجلس شانزدهم و ورود اعضای شاخص جبهه ملی به این مجلس شدند و همچنین با ترور رزم آرا نخست وزیر وقت در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ نقش اساسی در ایجاد بسترها و رفع موانع برای ملی شدن نفت داشتند. ائتلافی که برای ملی شدن صنعت نفت شکل گرفت، ائتلاف نامتجانس و متراکم از چالش‌های فکری، سیاسی، اقتصادی، دینی و طبقاتی بود و به همین دلیل به تدریج با مشکلات عدیده‌ای مواجه گشت که در کمتر از چهار سال فروپاشید. در

^۱ خلیلیان، محمد جمال تحلیلی بر نهضت ملی شدن نفت ایران (۲۹ اسفند ۱۳۲۹) (درسها و عبرتها) فصلنامه معرفت، شماره ۷، <http://www.hawzah.net/fa/Article/View/85806>

^۲ - آبراهامیان، یرواند. ایران بین دو انقلاب، ترجمه مهدی گل محمدی (تهران، نی، ۱۳۷۹)، ص ۱۲ - ۳۱۰

واقع یکی از دلایل عمده ناکامی تحولات سیاسی و اجتماعی در تاریخ ایران گسست در ائتلاف‌های سیاسی بوده است. همچنین باید به این موضوع اشاره شود که نفت در دهه بیست یکی از مهم ترین مسائل سیاسی ایران بود.

پنج شنبه، یازدهم اسفند ۱۳۲۹ اعلامیه‌ای به امضای "فداییان اسلام" منتشر شد که مردم را برای ساعت سه بعدازظهر ۱۲ اسفند به مسجد سلطانی می‌خواند تا به سخنرانی در خصوص "مقدرات ایران و نفت" گوش فرادهند. همان روز آیت‌ا... کاشانی هم در اعلامیه جداگانه عموم طبقات از تجار و جوانان و دانشجویان را برای شرکت در این "تظاهر مهم اسلامی از طرف فداییان اسلامی ایده‌م...!" دعوت کرد. آیت‌ا... العظمی خوانساری هم در پایان اعلامیه خود نوشت: «با اینکه مثل حضرت مستطاب آیت‌ا... کاشانی - دامت برکاته - که مجتهدی عادل و باشهامت و دلسوز و فداکار برای مصالح دین و دنیای مردمند و با این همه جدیت ترغیب و تحریض، مردم را بیدار می‌کنند، دیگر مجال عذری برای کسی باقی نمی‌ماند»^۱. روز ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ رزم‌آرا توسط خلیل طهماسبی، یکی از اعضای فداییان اسلام به قتل رسید. از فردای قتل رزم‌آرا، پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت که تا آن روز تصویب نشده بود، یک بار دیگر به رأی گذاشته شد. اعضای کمیسیون که هنوز گرفتار هول و هراس ترور رزم‌آرا بودند، به اتفاق آراء آن را تصویب کردند. متن تصمیم مورخ ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ کمیسیون مخصوص نفت از این قرار بود: «نظر به اینکه ضمن پیشنهادات نفت پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد توجه و قبول کمیسیون قرار گرفته و از آن جایی که وقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای این اصل باقی نیست، کمیسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدید می‌نماید. از این پیشنهاد بعدها به عنوان اصل ملی شدن نفت یاد شده و همان است که در تمام دوران حکومت دکتر مصدق اساس و مبنای مذاکرات بود. متن کامل پیشنهاد بدین صورت بود: «به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد می‌نماییم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثنا ملی اعلام شود؛ یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرار گیرد.»

و آنگاه نوبت مجلس بود که می‌بایستی موضع خود را در برابر آن مشخص سازد. در جلسه مورخ ۲۴ اسفندماه از ۱۳۱ نماینده، ۹۵ نفر در جلسه حضور داشتند و همه آنها به گزارش کمیسیون نفت رأی مثبت دادند. مجلس سنا هم در آخرین روز سال، یعنی ۲۹ اسفند سال ۱۳۲۹ این گزارش را تصویب کرد.^۲

جبهه ملی در رهگذار اعتراض دوگانه منتقدان مختلف دولت به تقلب در انتخابات مجلس (۱۹۴۶م/ ۱۳۲۸ش) و قرارداد الحاقی نفت (گس، گلشاییان) پدید آمد. عمده‌ترین حزب‌های تشکیل دهنده جبهه ملی عبارتند از: حزب ایران؛ شامل گروهی از روشنفکران، فن‌سالاران، دانشجویان و مشاغل رده بالا. حزب زحمتکشان؛ شامل گروهی از روشنفکران و کارگران به رهبری خلیل ملکی - که با تازگی از حزب توده انشعاب کرده بودند- و نیز پیشه‌وران، مغازه‌داران و روشنفکران میانه‌رو به رهبری مظفر بقایی. مجاهدین اسلام؛ شامل مغازه‌داران، رهبران اصناف،

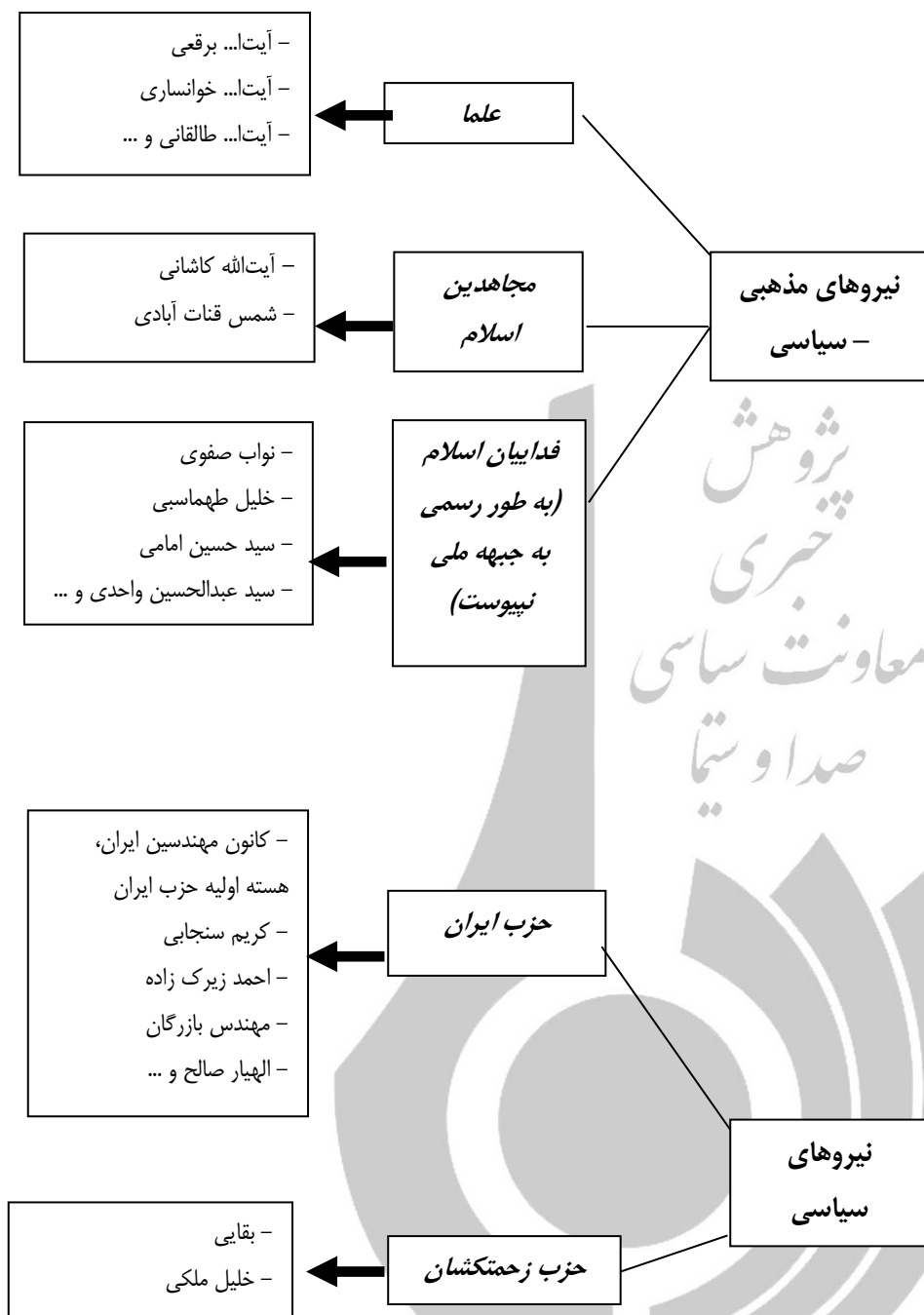
^۱ <http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/3282/5775/58143>

^۲ موحد، محمدعلی. خواب آشفته نفت؛ دکتر مصدق و نهضت ملی ایران (تهران: کارنامه، ۱۳۷۸) ص ۱۳۰

دانشجویان مذهبی و روحانیون به رهبری شمس قنات‌آبادی و آیت‌... سید ابوالقاسم کاشانی و ... رهبر مورد قبول جبهه ملی، محمد مصدق بود، اما گروه اجتماعی مهمی که نقش اساسی در پایگاه اجتماعی و پیشبرد برنامه‌های جبهه ملی از جمله ملی کردن صنایع داشت، روحانیت بود. چنانکه روحانیونی همچون آیت‌... زنجانی، آیت‌... سیدمحمود طالقانی، آیت‌... میرزا محمدتقی خوانساری و آیت‌... علی اکبر برقی همه جانبه از جبهه ملی حمایت می‌کردند. در واقع پشتوانه مردمی جبهه ملی وابسته به حمایت علما بود^۱.



^۱ فوران، جان. مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین (تهران، رسا، ۱۳۷۷) صص ۴۲۸ - ۴۲۵.



می‌توان گفت ملی کردن نفت نمادی از مقابله همزمان با استعمار و استبداد بود عظیمی در این باره می‌گوید:

مصدق‌ها حاکمیت مردمی را که نماد آن ترتیبات دموکراتیک بود با حاکمیت ملی که تبلور آن ملی کردن صنعت نفت بود، درآمیختند. این دو هدف را نمی‌شد از هم جدا کرد. تنها به پشتوانه نهضت و عواطف ملی می‌شد هدف‌های دموکراتیک را پیش برد و شاه را ناگزیر کرد که به ایفای نقشی تشریفاتی تن در بدهد. مبارزه با نفوذ انگلیس و مبارزه با سلطه دربار و نقش فعال شاه از هم قابل تفکیک نبود و عملاً مبارزه در یک جبهه بود. ناگزیر کردن شاه که، به قول مصدق، سلطنت کند نه حکومت، از اساسی‌ترین شرایط پیشبرد کار نفت و تحقق حاکمیت ایران بود.^۱

انگیزه‌های مختلفی برای ملی شدن صنعت نفت وجود داشت. یکی از این انگیزه‌ها، انگیزه‌های سیاسی بوده است. به‌طور مثال جورج مگی معاون وزیر امور خارجه آمریکا به این مسئله اشاره می‌کند، یا آلبرت حورانی می‌نویسد: «کسب استقلال واقعی در اندیشه‌های مصدق از اولویت خاص برخوردار بود و از همین روی بود که مسئله امتیاز نفت برای او بیش از هر چیز یک مسئله سیاسی بود»^۲ یا والتر لوی می‌نویسد: «با وجود وضع نامطلوب اقتصادی ایران، ایرانی‌ها جنبه مالی مسئله نفت را چندان هم مهم تلقی نمی‌کنند. برای آنها مسئله اصل حاکمیت ملی و تسلط بر منابع نفت خودشان است»^۳. البته نقش آیت‌... کاشانی در نهضت نیز نقشی اساسی و تعیین کننده بود. بی‌شک نقش آیت‌... کاشانی در ملی شدن صنعت نفت، نقش اول جنبش است، اما تاریخ‌نویسی ده‌های اخیر که یا توسط مارکسیست‌های چپ‌گرا یا ناسیونالیست‌های راست‌گرا صورت گرفته است، عمداً نقش آیت‌... کاشانی را مغفول گذاشته‌اند. گاهی چنان غیرمنصفانه تاریخ را منحرف نموده‌اند که قلم از گله‌مندی آن نیز شرم دارد. اینان حتی به اعتراف دکتر مصدق - که در تلگراف به آیت‌... کاشانی نوشت «تأییدات و اقدامات شجاعانه حضرت عالی، همیشه اساس موفقیت ملت ایران در این مبارزه‌ی تاریخی بوده است.» - نیز توجه ندارند.^۴

^۱ مصدق و ملی‌کردن نفت درگفت‌وگو با دکتر فخرالدین عظیمی <http://www.ensani.ir/fa/content/48863/default.aspx>

^۲ بیل جیمز و لوئیس اجر. مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایران؛ ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی (تهران: گفتار، ۱۳۷۲) ص ۴۷۷

^۳ - علم، مصطفی. نفت، قدرت و اصول؛ ترجمه غلامحسین صالحیار <http://www.ensani.ir/fa/content/48863/default.aspx> (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱) ص ۲۳۴

^۴ نقش آیت‌الله کاشانی در مردمی کردن شعار ملی کردن نفت <http://www.ensani.ir/fa/content/48863/default.aspx>

علل داخلی ملی
شدن نفت

- اتحاد ملی
- اتحاد همه اقشار مردم
- اتحاد بین همه نیروهای سیاسی
- فداییان اسلام
- جبهه ملی
- سایر نیروهای سیاسی
- اتحاد بین همه نخبگان کشور
- اتحاد و همبستگی بین مردم و نخبگان
- اولویت استقلال و حاکمیت مردم و رهایی از سلطه استعمارگران
- نقش برجسته علما و بزرگان دینی در حمایت از ملی شدن صنعت نفت
- برتری منافع ملی و مصلحت جامعه بر منافع گروهی و فردی
- لزوم توسعه و پیشرفت کشور
- برتری اهمیت نفت در کشور
- کاهش قدرت نظام پهلوی و دخالت دربار در مسایل کشور
- روی کار آمدن نمایندگان مردمی در مجلس شورای ملی

زمینه ها و ابعاد خارجی ملی شدن صنعت نفت

در اواخر دهه بیست از یک سو اهمیت نفت در جهان و برای کشورهای صنعتی افزایش یافته بود و ماده حیاتی جهان گشته بود، به گونه‌ای که از این دوران نفت نصف وزن جهان را تشکیل می‌داد و به همین دلیل در طول جنگ دوم جهانی و به‌خصوص در پایان این جنگ، کشورهای دارای نفت مورد توجه جدی کشورهای صنعتی قرار گرفتند، چنان که ایران به جهت نفت و البته موقعیت ژئوپلیتیکی و دیگر ویژگی‌ها جزء محورهای اساسی سیاست خارجی کشورهای صنعتی از جمله آمریکا و شوروی گردید. از سوی دیگر با توجه به شکل‌گیری جهان دو قطبی و ورود آمریکا به سیاست‌های جهانی و همسایگی ایران با شوروی سابق و ترس از نفوذ کمونیسم، ایران در سیاست خارجی کشورهای سرمایه‌داری و استعمارگر از جمله آمریکا، اهمیت خاصی یافت. در واقع از این دوران ارتباط بین سیاست، نفت و امنیت افزایش بسیار زیادی یافت و مقوله نفت در رأس هرم استراتژی کشورهای امپریالیستی از جمله آمریکا و انگلستان قرار گرفت. به‌خصوص که رقابت میان آمریکا و انگلیس هم برای نفوذ در منطقه وجود داشت. بعد از جنگ جهانی دوم بریتانیا برای حفظ نفوذ خود در منطقه احتیاج به تلاشی فراوان و رقابت با آمریکا داشت در حالیکه دیگر توان این رقابت را از دست داده بود. بریتانیا با ضعف اقتصادی خود پس از جنگ و ضربه‌ای که متعاقب استقلال هند و بحران ملی شدن صنعت نفت ایران خورده بود، توان رقابت با آمریکا را در خود نمی‌دید. به همین دلیل مقامات بریتانیایی تلاش می‌کردند که به آمریکا ضرورت حضور خود در منطقه جهت مقابله با اتحاد شوروی را ثابت کنند. از دیدگاه دولت بریتانیا، ایالات متحده باید درک می‌کرد که وجود بریتانیا در خلیج فارس برای دفاع از منافع غرب که شامل منافع نفتی ایالات متحده نیز می‌باشد ضروری است.^۱ بدین جهت تبعات و بازتاب‌های این شرایط نوین کشورهای صاحب نفت از جمله ایران را فراگرفت. به همین دلیل از سال ۱۳۲۰ به بعد، بخش عمده‌ای از تحولات ایران با توجه به مقوله نفت شکل گرفته است.

با توجه به افزایش اهمیت نفت در جهان، شرایط داخلی ایران نیز تحت الشعاع همین مسئله قرار گرفت، چنان که موضوع قراردادهای نفتی و فروش نفت از مجلس چهاردهم تا مجلس هفدهم مورد توجه جدی قرار گرفت. در مجلس چهاردهم موضوع امتیاز نفت شمال به آمریکا و شوروی و تجدیدنظر در قرارداد ۱۳۱۲ مطرح گردید. در مجلس چهاردهم موضوع ملی شدن نفت مطرح گردید که با مخالفت عده‌ای مواجه شد. در مجلس پانزدهم، لایحه گس - گلشاییان ارایه شد که با مخالفت برخی از نمایندگان مواجه شد و در مجلس شانزدهم، ملی شدن صنعت نفت به تصویب رسید.

قدرت‌های خارجی و ملی شدن صنعت نفت

انگلیس: تفسیر رادیو لندن درباره تصویب طرح ملی شدن بدین شرح بود: "امروز پارلمان ایران، پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت را در کشور تصویب کرد. این پیشنهاد از سوی عده معدودی مرتجع و ثروتمند و همچنین یک عده ملامی متعصب که در رأس آنها سید ابوالقاسم کاشانی قرار گرفته است، پشتیبانی می‌شود. چند تن منفی باف که عده‌ای از جوانان ساده لوح از آنها پیروی می‌کنند، فریاد می‌کردند «نفت ایران برای ایرانی»، ولی هیچ کس نگفت چه طور ممکن است که ایرانی، نفت خود را اداره کند. فقط کسانی از قبیل رزم آرا که می‌دانستند اداره کردن نفت به دست ایرانی عملی نیست، با پیشنهاد ملی شدن مخالفت کردند."^۲

^۱ مقصود رنجبر رقابت آمریکا و انگلیس در ایران و نهضت ملی شدن صنعت نفت

یکی از اقدامات انگلستان که می‌توان گفت جزء اولین اقدامات دولت انگلستان علیه ملی شدن صنعت نفت بود شکایت به شورای امنیت بود. دولت انگلستان به استناد اینکه اخراج کارمندان انگلیسی شرکت نفت از آبادان مغایر با رأی موقت دیوان داوری لاهه است به شورای امنیت سازمان ملل شکایت برد. هدف انگلستان این بود که با این اقدام و رأی این سازمان‌ها علیه دولت مصدق، اعتماد مردم ایران دولت سلب شود و در واقع حمایت و پشتیبانی مردم از دولت مصدق کاهش یابد و گسست بین نیروهای سیاسی کشور ایجاد شود؛ که خود مصدق در مهرماه ۱۳۳۰ شخصاً برای پاسخگویی به نمایندگان دولت انگلستان به همراهی عده‌ای به نیویورک رفت و به دفاع از ملی شدن صنعت نفت پرداخت که در نهایت شورای امنیت به عدم صلاحیت خود رأی داد. در یک مقایسه بین ارجاع پرونده ملی شدن صنعت نفت و انرژی هسته‌ای شورای امنیت باید گفت که به نظر می‌رسد در ابتدا شورای امنیت کمتر تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا و انگلستان بوده است و به تدریج تحت نفوذ این قدرت‌ها قرار گرفته است و در واقع به تدریج شورای امنیت ابزار و مکانیسمی جهت افزایش نفوذ قدرت آمریکا و دخالت این کشور در امور داخلی سایر کشورها شد.

اختلافات نفتی ایران و انگلیس، که در اوایل سال ۱۹۵۰ آغاز شد، اصولاً چند تفاوت اساسی با اختلافات قبل داشت. این بار انگلستان نه با تقاضای مختصری برای ازدیاد حق‌الامتیاز و نه با درخواست سهم بیشتری از منافع و امتیازات دیگر یعنی مبانی اختلافات قبلی، درگیری داشت، بلکه با ملی شدن صنعت نفت توسط دولت ایران روبرو بود. اقدامی که انگلیسی‌ها را یکباره غافلگیر کرد و شیوه مذاکراتشان را یکسره دگرگون ساخت. در این میان آمریکایی‌ها نقش ثالثی بازی می‌کردند که در ابتدا به راه حل سریع و رضایت بخشی برای طرفین دعوا علاقمند بودند.^۱ اما با توجه به تغییراتی از جمله افزایش اهمیت نفت برای جهان غرب و ترس از کمونیسم، آمریکا را به این فکر انداخت که جایگزین انگلیس در ایران شود و حکومت سلطه‌پذیری در ایران روی کار آورد که مجری سیاست‌های آمریکا و حافظ منافع بلوک غرب در منطقه باشد. انگلیس بعد از ملی شدن نفت سیاست‌های مختلفی در پیش گرفت که برخی از آنها عبارتند از:

- مخالفت همه جانبه با ملی شدن صنعت نفت ایران و ارائه پیشنهاد‌های مغایر با قانون ملی شدن در قالب‌های مختلف
- توسل به مجامع بین‌المللی به منظور غیرقانونی شناختن اقدام دولت ایران و بازگشت به وضع سابق
- محاصره اقتصادی و جلوگیری از صدور نفت ایران به خارج
- کشاندن آمریکا از حالت بی‌طرفی مثبت به بی‌طرفی منفی و سرانجام به مخالفت با حکومت مصدق
- عملیات پنهانی برای سرنگونی حکومت ملی^۲
- بسیاری گمان می‌برند که در جریان ملی شدن صنعت نفت آمریکا به طرفداری از ایران در مقابل انگلستان ایستاد و از منافع ملت ایران حمایت کرد، در حالی که با مطالعه تاریخ به خوبی در می‌یابیم که آمریکا خواستار سوق دادن منافع نفتی به سوی خود بود و گل‌آلود شدن آب او را به مقصود می‌رساند به همین خاطر هم پس از عدم تأمین آنچه که می‌خواست به طراحی و اجرای کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی دولت دکتر محمد مصدق دست زد. رقابت‌های پنهان و غیرانسانی آمریکا - انگلستان بر سر منابع نفتی ایران در این بین اهمیت دارد در آن زمان آمریکا تنها ۱۶٪ از نفت خلیج فارس را در اختیار داشت و ۷۸٪ منابع نفتی این منطقه همچنان در اختیار انگلستان بود. همین امر موجب توجه بیشتر آمریکا به منبع نفتی خاورمیانه و آغاز مداخله در امور نفتی ایران گردید. در شرایطی که آمریکا نیز چون انگلیس خواهان بدست آوردن امتیازات نفتی در ایران بود، بهانه برای مداخله در امور نفتی ایران نیز جلوگیری از نفوذ اتحاد شوروی بود. این در شرایطی بود که انگلیس از سوی مردم ایران و برخی سیاستمداران مخالف انگلیس به دلیل سهم ناچیز ایران از منافع گسترده نفت کشور تحت فشار قرار داشت.

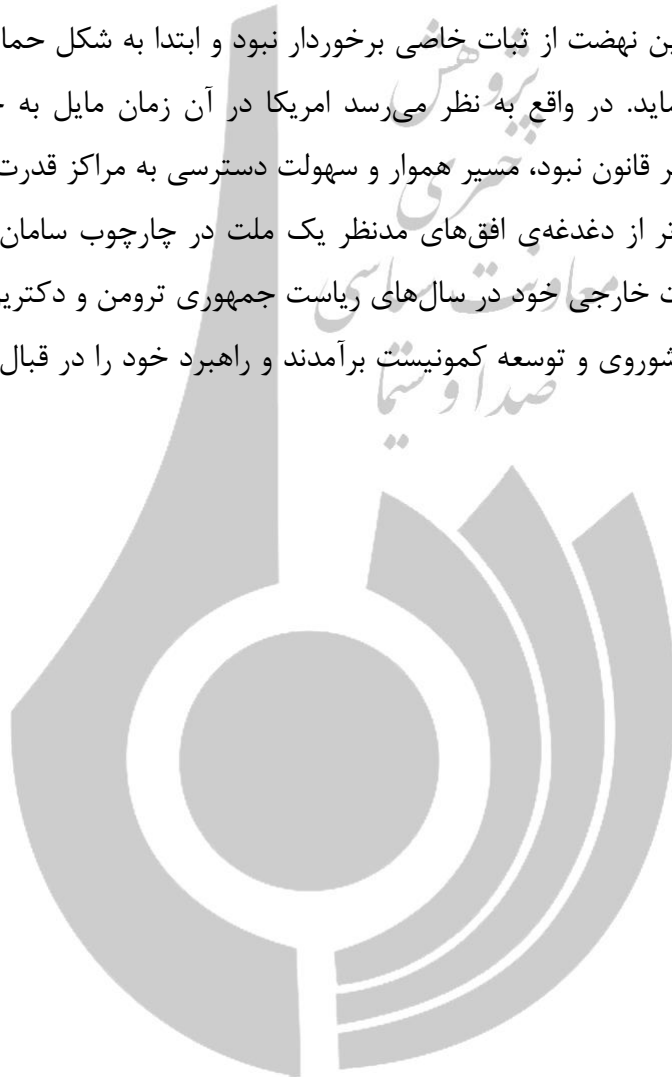
^۱ شوادران، بنجامین. خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ؛ ترجمه عبدالحسین شریفیان (تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۲ ص ۹۵
^۲ (هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. در حاشیه سیاست خارجی (تهران: گفتار، ۱۳۸۲) ص ۲۹

آمریکا نیز در این زمان بدنبال نزدیک شدن به آن طیف از سیاستمداران و گروه‌های ایرانی بود که نگرانی فزاینده‌ای از انگلیسی‌ها داشتند^۱

امریکا و شوروی

در دوره‌ی ملی شدن صنعت نفت ایران، دو کشور امریکا و شوروی بازیگر اصلی صحنه بین‌المللی بودند؛ که تصمیماتشان تا حدودی متفاوت از هم بود، اما در هر دو مورد به نوعی در آغاز از اظهارنظر آشکار خودداری کردند. امریکا در ادامه با مخالفتش به دنبال تغییر نظام در ایران بود. (براندازی دولت ملی)، اما شوروی، دلیلی برای مقابله جدی با ایران و اعمال فشار نمی‌دید. ^۲

استراتژی امریکا نسبت به این نهضت از ثبات خاصی برخوردار نبود و ابتدا به شکل حمایت، میانجگری و در نهایت به شکل براندازی رخ می‌نماید. در واقع به نظر می‌رسد امریکا در آن زمان مایل به چانه زنی با ملت‌ها در قالب ساختار دموکراتیک و زیر چتر قانون نبود، مسیر هموار و سهولت دسترسی به مراکز قدرت و عقد قراردادهایی مطابق نیاز درباریان بسیار مناسب‌تر از دغدغه‌ی افق‌های مدنظر یک ملت در چارچوب سامان دموکراتیک بود. و یا اینکه امریکایی‌ها بر اساس سیاست خارجی خود در سال‌های ریاست جمهوری ترومن و دکترین سد نفوذ ترومن در صدد جلوگیری از نفوذ احتمالی شوروی و توسعه کمونیست برآمدند و راهبرد خود را در قبال نهضت ملی تدوین نموده- اند^۳



^۱ مقصود رنجبر رقابت آمریکا و انگلیس در ایران و نهضت ملی شدن صنعت نفت

<http://www.ensani.ir/fa/content/9724/default.aspx>

^۲ سیده‌سکینه قربی " بررسی تطبیقی سیاست قدرتهای بزرگ (امریکا و شوروی (روسیه)) در قبال ملی شدن صنعت نفت و برنامه‌ی هسته‌ای ایران "پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه یزد . ۱۳۹۰ .
^۳ محسن حسینی لیرسیاهی جنبش ملی شدن صنعت نفت و مواضع دولت ایالات متحده آمریکا پایان‌نامه . دولتی کارشناسی ارشد - دانشگاه پیام نور استان قزوین - دانشکده علوم اجتماعی . ۱۳۹۲ .

علل خارجی موثر در

ملی شدن نفت

- وقوع جنبش‌ها و جریان‌های رهایی بخش و ضداستعماری در جهان
- ایجاد یک نظام دوقطبی و رقابت شدید بین بلوک غرب و شرق و بهره- برداری برخی کشورها از این شرایط
- رقابت بین انگلستان و آمریکا و تلاش آمریکا برای افول قدرت انگلستان در جهان از جمله ایران
- افزایش اهمیت نفت برای همه کشورهای صنعتی و پیشرفته

- افزایش انسجام و همبستگی بین همه اقشار جامعه
- بیانگر نقش اتحاد در پیروزی و تحقق اهداف
- جایگاه علما در تحولات سیاسی و اجتماعی
- نقش همبستگی دولت و مجلس در استقلال و توسعه کشور
- نقش اتحاد و حمایت مردم از دولتمردان در تحقق اهداف و شکست دشمنان داخلی و خارجی
- جایگاه مجلس مردمی در رشد و استقلال کشور
- حاکمیت بر مهم‌ترین منبع اقتصادی کشور و استقلال اقتصادی

داخلی

**اهمیت و تاثیرات ملی
شدن صنعت نفت**

- تاثیر این جنبش در تحولات منطقه‌ای
- خارج کردن نفت از کنترل انگلستان
- عدم اتکاء به کشور به قدرت‌های خارجی
- آشکار شدن حمایت استعمارگران از حکومت‌های استبدادی
- هویدا شدن وابستگی نظام پهلوی به قدرت‌های خارجی و ماهیت استبدادی آن
- اتحاد و بلوک (شرق و غرب یا سرمایه‌داری و کمونیسم) در وابستگی و عقب ماندگی ایران
- نقش مقتضیات جهانی در تحولات داخلی ایران

خارجی

علل ناکامی جنبش ملی کردن نفت

جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران از دوران تصویب قانون ممنوعیت دادن امتیازات نفتی به بیگانگان در مجلس چهاردهم آغاز گشت و پس از رد قرارداد الحاقی و با تلاش های نمایندگان جبهه ملی در مجلس، نفت ملی شد و مصدق به قدرت رسید؛ اما عمر دموکراسی ایرانی کوتاه بود و با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به آن خاتمه شد. پاسخ به علل ناکامی این جنبش و واکاوی زوایای گوناگون آن از جمله مهمترین دغدغه های نیروهای فکری و سیاسی بوده است و تبیین های مختلفی از ناکامی این جنبش صورت پذیرفته است.

الف: شکست ائتلاف: یکی از محققان شکست ائتلاف میان نیروهای سیاسی تشکیل دهنده نهضت ملی شدن صنعت نفت را مهم-ترین دلیل ناکامی آن می‌داند و پس از شکست این ائتلاف بستر لازم برای مداخلات نیروهای خارجی فراهم آمد.

ب: برتری منافع سیاسی: برخی تحلیلگران بر این اعتقاد هستند که برتری و اولویت منافع سیاسی یکی از علل افول نهضت ملی شدن صنعت بود، چرا که ارزش های سیاسی ظرفیت و پتانسیل برطرف کردن هزینه های مادی نهضت را نداشت. این نکته حائز اهمیت است که به تدریج تبعات منفی اقتصادی نفت افزایش می‌یافت که این مسئله باعث ایجاد شکاف، کشمکش و در نهایت ناکامی نهضت شد.

ج: نداشتن راهبرد مشخص: ملیون ایرانی راهبردهای عمیق و قابل پیش بینی در قبال ایالات متحده و به ویژه انگلستان نداشتند. با بر ملا شدن این ضعف ها و علل و عوامل بنیادین، ملیون فاقد ابتکار عمل های واقع بینانه بودند، ابتکار عمل های واقع بینانه ای که می-توانست ابهام گفتمانی را وارد دوره ای جدید نماید. دوره جدید می‌توانست به گونه ای مطرح شود که بنیاد جنبش ملی شدن صنعت نفت به قوت خود باقی بماند و دشمنان ایران را دچار انفعال گرداند. این مهم انجام نشد و اندک اندک شکست گریبان جنبش ملی را گرفت.^۱

^۱ علیرضا آقاسینی تحلیل گفتمانی و علل و عوامل بنیادین شکست جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران (۱۳۳۲-۱۳۲۰) <http://www.ensani.ir/fa/content/303515/default.aspx>

*** گسست در**

همبستگی ملی

- اختلاف بین رهبران ملی شدن صنعت نفت
- گسست در بین نیروهای سیاسی
- شکاف بین دولت و مردم
- اقدام تفرقه افکنانه برخی گروه‌ها و افراد
- عدم توجه برخی افراد و گروه‌ها به حمایت و پشتیبانی مردم؛ عدم توجه به پیوند مردم با دولت
- اولویت منافع شخصی و حزبی برای برخی افراد و گروه‌ها به جای توجه به منافع ملی

*** علل سیاسی داخلی**

- انحلال مجلس توسط دولت مصدق
- ورود عوامل نفوذی به دولت جهت ایجاد اختلال و تفرقه
- عدم توجه مصدق و دیگر نیروهای ملی به هشدارهای نخبگان مذهبی و سیاسی دیگر
- توجه نکردن دولت مصدق به دسیسه‌های دربار جهت شکست ملی شدن صنعت نفت
- عدم همگامی مبارزه با استکبار با استبداد داخلی

*** علل خارجی**

- عدم توجه به مقتضیات جهانی
- رویکرد مثبت دولت به آمریکا؛ تصور دولت از حمایت همیشگی آمریکا از ملی شدن صنعت نفت
- پیوند بین منافع انگلستان و آمریکا در ایران
- رقابت شدید بین آمریکا و شوروی و تأثیر آن بر تحولات ایران

اتحاد ملی در ملی شدن صنعت نفت - به عنوان مهم ترین عنصر اقتصادی ایران از دهه ۲۰ تا کنون و تأثیرگذارترین عنصر بر سیاست گذاری ها، برنامه ریزی های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - نقش اساسی ایفا نمود که نمادهای آن را در اتحاد نخبگان، همگرایی بین نخبگان و مردم، ائتلاف بین نیروهای سیاسی و ... می توان مشاهده کرد. ملی شدن صنعت نفت چه در زمان خود و چه در روزهای بعد به عنوان الگویی از اتحاد ملی همچون خودباوری، ظرفیت مقابله با استعمارگران، الگویی از تأثیر نمایندگان مردمی در تحولات کشور و جهت دهی به مسائل مختلف کشور، .. ایجاد موضوعات و دغدغه های مشترک در کل جامعه تلقی می شود همچنین با توجه به این رویداد می توان گفت که نقش علمای دینی و بزرگان کشور در تحولات و رویدادهای سرنوشت ساز و نقش نخبگان در زمینه بسترسازی، همبستگی بین خود و تأثیرگذاری در جامعه در تحولات و ... بسیار اساسی می باشد. در مجموع ملی شدن صنعت نفت از بعد اتحاد ملی بیانگر گذار از خردگرایی به جمع گرایی، گذار از فرد محوری به خرد جمعی، اولویت یافتن منافع کشور بر منافع فردی و گروهی، تعامل کارآمد و مثبت نخبگان با مردم، نقش همگرایی در پیروزی بر استعمار و ... می باشد. واقعیاتی که با از دست رفتن عوامل موفقیت نهضت ملی شدن نفت و البته دخالت های آشکار خارجی ، به ناکامی در سال ۱۳۳۲ منجر شد.

معاونت سیاسی
صدا و سیما